

پژوهشی گفتمان‌شناختی در گستره کاربردها و کارکردهای نقش‌نمای "او" در اشعار حافظ و گوته: کاربردهای آموزشی و پژوهشی

علی محمد محمدی*

(نویسنده مسئول)

استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه اراک،

اراک، ایران

Email: a-mohammadi@araku.ac.ir



علی رجایی**

استادیار زبان و ادبیات آلمانی، دانشگاه اراک،

اراک، ایران

Email: a-radjaie@araku.ac.ir



چکیده

نقش‌نمای گفتمانی "او" از نوع نقش‌نماهای افزایشنده و توصیفی است و مهم‌ترین، پیچیده‌ترین، خلاق‌ترین، گسترده‌ترین، پرکاربردترین، و کارسازترین عنصر گفتمانی در مدیریت گفتمان است. این پژوهش اکتشافی دارای دو مبانی معرفت‌شناختی، پژوهشی، و استدلالی در واکاوی کاربردها و کارکردهای نقش‌نمای "او" بود. بهره‌وری از دیدگاه‌های پژوهشگران مطرح جهانی در این مطالعات و واکاوی پیکره‌های خلاق زبانی در گستره شعر فارسی و آلمانی. این پژوهش، الگوی کاربردی و کارکردی "او" را در غزل‌های حافظ و اشعار گوته با استفاده از مدل وجوه گفتاری گفتمان شفرین (۱۹۸۷) بررسی نمود. واکاوی و بررسی دو پیکره شعری نشان داد که آن دارای نقش‌های اولیه و ثانویه است. کارکردهای اولیه او در گستره اندیشگانی وجوه گفتاری گفتمان بوده و ایجاد روابط سه‌گانه زمانی، علت و معلولی، و موضوعی بین گزاره‌ها و اندیشه‌ها نتیجه استفاده از آن در دو اثر منظوم بود. علاوه بر نقش معهود آن یعنی عطف در کنار گستره‌های کاربردی و کارکردی فوق، کارکردهای گفتمانی ثانویه آن شامل کنش‌های امر، گزارش و روایت، بیان هدف، استنباط، استدلال، تاکید، توازن، گسترش، تضاد و مسئله‌انتظارات بود که در کتب دستور و فرهنگ لغات واکاوی نشده‌اند. افزون بر این، ترکیب وجوه اندیشگانی، کنش و اطلاعات از دیگر کارکردهای این نقش‌نما بود. و همچنین استفاده ترکیبی از آن با دیگر نقش‌نماها نیز بررسی گردید. در پایان، با توجه به کشف نقش‌های متفاوت و منحصر به فرد برای او، مجموعه‌ای از راه‌کارهای کاربردی در گستره‌های آموزشی، راهبردهای مدیریتی در گفتمان، پژوهش، تهیه و تدوین مطالب درسی، و فرهنگ نگاری پیشنهاد گردید.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

نقش‌نمای گفتمانی او،

کارکرد، حافظ، گوته

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2020.259258.520 کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

رجایی، علی، محمدی، علی محمد (۱۳۹۹). پژوهشی گفتمان‌شناختی در گستره کاربردها و کارکردهای نقش‌نمای "او" در اشعار حافظ و گوته: کاربردهای آموزشی و پژوهشی. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، (۱۰) ۲، ۴۰۶-۴۲۱.
Mohammadi, Ali Mohammad, Radjaie, Ali (2020). An analysis of the discursal uses and functions of 'AND' as a discourse marker in Hafiz and Goethe poetry: educational and research implications. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 406-421.
DOI: 10.22059/jflr.2020.259258.520

* علی محمد محمدی استادیار دانشگاه اراک است. حوزه پژوهشی او کاربرد تحلیل گفتمان در ترجمه، آموزش زبان، و تحلیل متن است. او پانزده مقاله در حوزه‌های فوق چاپ کرده است.

** علی رجایی استادیار دانشگاه اراک است. حوزه پژوهشی او ادبیات تطبیقی است. او ۱۰ جلد کتاب و بیش از ۲۰ مقاله در حوزه‌های مختلف ادبیات تطبیقی چاپ کرده است.



An analysis of the discursal uses and functions of 'AND' as a discourse marker in Hafiz and Goethe poetry: educational and research implications



Ali Mohammad Mohammadi*
(corresponding author)
Assistant professor of TEFL, Arak University,
Arak, Iran
Email: a-mohammadi@araku.ac.ir



Ali Radjaie**
Assistant professor of German Language and Literature, Arak University
Arak, Iran
Email: a-radjaie@araku.ac.ir

ABSTRACT

As a cumulative and elaborative discourse marker, and is the most frequent, crucial, creative, effective, and complex discourse monitoring element. This explorative investigation enjoys two scientific and research informing resources: analysis of key authors studies and interpretation of creative corpuses in Persian and German poetry. Applying Schiffrin's (1987) model of discourse planes of talk to discover its patterns of use and functions, this article analyzed 'and' in Hafiz and Goethe poems. The results revealed that this marker had uses both in primary and secondary planes of discourse. The primary planes consisted of functions in ideational structure and plane of discourse establishing temporal, cause and effect, and topic relations. And the secondary planes included functions in the action and information structure of discourse dealing with command, narration, purpose, inference, justification, emphasis, balance, expansion, contradiction, and expectations. Unfortunately, these discursal strategies and functions are not analyzed in grammar books and dictionaries. Moreover, as the results showed because of its pragmatic and indexical properties, this marker combined ideational, action, and information planes of discourse. The combination of and with other markers was another discursal outcome of this study. Due to the exploration of new, different, and unique functions for this marker, some pedagogical and research implications in teaching languages, classroom strategies and its management, material development, and lexicography are discussed.

DOI: 10.22059/jflr.2020.259258.520

© 2020 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:
Received:
31st, May, 2018
Accepted:
9th, February, 2020
Available online:
Summer 2020

Keywords:

discourse marker, and, functions, hafiz, Goethe

Mohammadi, Ali Mohammad, Radjaie, Ali (2020). An analysis of the discursal uses and functions of 'AND' as a discourse marker in Hafiz and Goethe poetry: educational and research implications. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 406-421.
DOI: 10.22059/jflr.2020.259258.520

* Ali Mohammad Mohammadi is an assistant professor of Arak University. His area of interest is the application of discourse analysis in translation, TEFL, and text analysis and has published 15 articles.

** Ali Radjaie is an Assistant Professor of German Language and Literature at Arak-University. His area of interest is Comparative literature and has published 10 books and 20 articles.

۱. مقدمه

انسان به کمک زبان به مدیریت کنش‌های خویش در جامعه اقدام می‌کند. مطالعه نظام کاربرد زبان در جامعه را گفتمان نامیده‌اند (بول، ۲۰۱۱). گفتمان، دارای نظام پیچیده، گسترده، و چند بعدی بوده و عناصر گوناگونی روابط درون این نظام را مدیریت می‌کنند. از عناصر بسیار موثر در این گستره، نقش‌نماهای گفتمانی‌اند (Discourse Markers). با واکاوی دیدگاه‌های پژوهشگران مطرح جهانی، محمدی (۱۳۹۴) تعریف ذیل را برای نقش‌نماهای گفتمانی ارائه می‌کند:

«نقش‌نماهای گفتمانی منابع گفتمان-محور زبانی‌اند که جریان گفتگو را مدیریت نموده و به مهندسی نظام گفتمان می‌پردازند. این عناصر زبانی بین متغیرهای گوناگون موثر در فرایند آفرینش گفتمان رابطه ایجاد کرده، به استنباط، واکاوی، و کشف تعامل بین گفتار فعلی و بافت گسترده‌تر گفتمان کمک نموده، و فرد از طریق آن‌ها به هدایت و جهت‌دهی گفتمان اقدام می‌نماید. و سر انجام به کمک این عناصر انسان گفتار جاری را به بافت جامع گفتمان پیوند می‌دهد، نگرش خود به موضوع گفتمان را منعکس می‌نماید، و اقدامات بایسته برای مهندسی، سازمان‌دهی، و طراحی گفتمان خویش را اتخاذ می‌کند» (۴۵).

پژوهندگان ایرانی (حسینی، ۱۳۷۹؛ صیادکوه و رئیس، ۱۳۹۶؛ عمران‌پور، ۱۳۸۴؛ فقیه‌ملک مرزبان، ۱۳۸۶) نقش‌نمای واو را از مهمترین، پیچیده‌ترین، خلاق‌ترین، گسترده‌ترین، پرکاربردترین، و کارسازترین عنصر زبانی تلقی کرده‌اند. مطالعات در زبان‌ها و فرهنگ‌های عربی، فارسی، چینی، و انگلیسی (الشریفی، ۲۰۱۷؛ نژادانصاری و محمدی، ۲۰۱۴، یانگ، ۲۰۱۲) نشان داده است که این نقش‌نما در تمام این زبان‌ها پرکاربردترین عنصر گفتمانی برای مدیریت گفتمان است. نقش‌نماهای گفتمانی دارای انواع متعددی‌اند و این نقش‌نما از نوع نقش‌نماهای گفتمانی افزاینده و تفصیلی- (Cumulative and elaborative) است (فریزر، ۱۹۹۹). تحقیقات قبلی یک‌زبانه و غیر تطبیقی‌اند، و فزونی‌تر توزیع فراوانی را واکاوی کرده‌اند و نقش منظورشناختی نقش‌نماها مغفول مانده است. در این راستا آیمر (۲۰۰۲) باور دارد که

مطالعات یک‌زبانه کارایی لازم را ندارد و مطالعات با پیگیره‌های دو یا چند زبانه نقش نقش‌نماها را به شکل دقیق‌تر و جامع‌تری نشان می‌دهد. این مطالعه اولین قدم در واکاوی دو زبانه کارکرد نقش‌نمای واو در عالم خلاق شعر حافظ و گوته- غزل و غزل‌واره، به‌خاطر طولانی بودن آن- بر اساس نظریه گفتمان‌شناختی انسجام (Coherence) با استفاده از یکی از الگوهای (Patterns) ارائه شده در گستره این نظریه به نام الگوی وجوه گفتاری گفتمان (Discourse Planes of Talk) شفرین (۱۹۸۷) به زبان فارسی بوده و بر آن است تا الگوی کاربردی و کارکردی (Patterns of use & functions) واو را کشف نماید. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های زیرست:

۱. بیشترین کاربرد این نقش‌نما در کدامیک از گستره‌های وجوه گفتمانی است؟
۲. نقش‌نمای واو چه نوع روابطی را در متون شعری این دو شاعر منعکس می‌کند؟
۳. علاوه بر نقش معهود و اصلی خود یعنی عطف نقش‌نمای واو چه نقش‌های دیگری را ایفا می‌کند؟
۴. نقش‌نمای واو همزمان کدام گستره‌ها و وجوه گفتمانی را با هم ترکیب می‌کند؟
۵. آیا شاعران در اشعار خویش از ترکیب این نقش‌نما با دیگر نقش‌نماها بهره برده‌اند؟

فرض این پژوهندگان بر این است که نقش‌نمای گفتمانی واو دارای نقش‌های گفتمانی متعددی بوده، واحدهای مختلفی را در درون گستره‌ها و وجوه گفتمانی ترکیب کرده، و دارای توزیع فراوانی مختلفی در گستره‌های گفتمان خواهد بود و نتیجه مطالعه، خلاقیت زبانی را به نمایش می‌گذارد.

۲. پیشینه مطالعات

مطالعات گوناگونی در گستره نظام نقش‌نماها انجام شده است. در مطالعه نژادانصاری و محمدی (۲۰۱۴)، فورکو (۲۰۱۴)، و سیمون‌واندن‌برگن و آیمر (۲۰۰۴) مشخص شد که این پژوهش‌ها به بررسی نقش نقش‌نماها، کنش بین آن‌ها و دیگر متغیرها، ماهیت و مفهوم آن‌ها، استفاده از آن‌ها در شرایط خاص، مدل‌های بررسی نقش‌نماها، و تجزیه و واکاوی نقش‌نمای خاص در شرایط خاص محدودند.

بررسی هورن و هسن (۱۹۹۹) در باره نقش‌نمای سوئدی (men) کارکردهای چهارگانه اما، پس، بعد، و افزودن کشف شد. حاجیمیا (۲۰۱۸) روزنامه‌های مالزی را تجزیه و واکاوی کرد و دریافت که از نقش‌نماهای گوناگون، با استفاده از کلمات مختلف، و دارای کارکردهای متفاوتی مثل توافق، توصیف، ارزشیابی، و استدلال و استنتاج بودند. همچنین، ترکیب نقش‌نماها معنای آن‌ها را محدود کرد (هورن و هسن، ۱۹۹۹). شولمن و دمیرگ (۲۰۱۷) نقش‌نمای "از طرف دیگر" را واکاوی کردند و به این نتیجه رسیدند که توجه شنونده/خواننده در واکاوی آن به فراتر از بافت فوری متن است و سعی می‌کند تا قسمت‌های گسترده‌ای از متن را به هم ربط دهد.

بنابراین، مطالعات کیفی محدود بوده و بیشتر به توضیح، توصیف و کشف درصد فراوانی آن‌ها پرداخته‌اند. از نظر شفرین (۲۰۰۱) ایراد پژوهش‌ها در گستره نقش‌نماهای گفتمانی این است که آن‌ها به شکل جزایری جدا از همند. در این راستا فیشر (۲۰۰۶) هم معتقد است که در این گستره ما با جنگلی از پژوهش سروکار داریم که با هم قابل مقایسه نیستند، به‌راهنمایی پژوهنده تازه وارد در این گستره نمی‌پردازند که باید نقش آن‌ها را واکاوی نماییم.

در زمینه کمال مطلوب پژوهش‌ها در این گستره، گروهی از پژوهشگران برای باورند که نخست باید ماهیت مسئله را دقیق بنگریم و پسین باید از پژوهش‌های تک‌زبانه گذر کرده و پژوهش‌های دو یا چند زبانه و تطبیقی را انجام دهیم. در باره موضوع اول شفرین، تانن و همیلتون (۲۰۰۱) معتقدند که در این گونه پژوهش‌ها، پژوهشگر با بعد انسانی، حساس و پیچیده کاربرد زبان - یعنی با رفتارها، باورها، نظرات، عواطف و روابط پیچیده و بعضاً متضاد انسانی - سروکار داشته و این مباحث پیچیده باید مد نظر قرار گیرد. با مطالعه پیچیدگی، گستردگی و تنوع ابعاد این موضوع، تریلو (۲۰۰۲) معتقد است که تغییرات، تحولات، گستردگی‌ها و پیچیدگی‌ها در ابعاد اجتماعی، شناختی و بافتی تعاملات زبانی، متغیرهای اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده، آن را تسهیل، نظام‌مند و بعضی اوقات پیچیده می‌کند. چگونگی، الگوهای کاربرد و انتخاب هر یک از نقش‌نماها، شرایط و عوامل موثر بر رابطه موجود میان گویشوران زبان را به‌نمایش می‌گذارد. بنابراین، باید پژوهش‌های کیفی و اکتشافی در این

همچنین، بیشتر آن پژوهش‌ها به بررسی آموزش زبان انگلیسی، گفت‌وگوی دادگاه و بررسی سرمقاله روزنامه‌ها پرداخته، بیشتر یک‌زبانه و کمی‌اند.

بخشی از مطالعات در گستره نگارش‌اند. در گستره نگارش آموزش نقش‌نماها در نگارش دانشجویان موثر بود (مانان و راسلی، ۲۰۱۸). واکاوی توصیفی نگارش دانشجویان ایرانی حاکی از کاربرد نقش‌نماهای زبان مکالمه در نگارش بود (ضیاقدم و سیمین، ۲۰۱۸). مطالعه جواب سؤال‌های تشریحی در پژوهش آدیمی (۲۰۱۸) و الشریفی (۲۰۱۷) مشخص شد که دانشجویان ترک و عرب درک صحیحی از کاربرد و کارکرد نقش‌نماها نداشتند. گروه دیگر مطالعات به بررسی نقش این عناصر گفتمانی پرداخته‌اند. پژوهش نژادانصاری و محمدی (۲۰۱۴) نشان داد که نقش‌نماها دارای کارکردهای ذیل بودند: آغاز و پایان سخن، اصلاح کلام، نوبت گرفتن، دادن، و حفظ آن، ارائه اطلاعات، تغییر موضوع، نشان دادن توالی، حفظ وجهه، و نشان دادن عکس‌العمل. در پژوهش گندمکار (۱۳۹۷) در متون روش پژوهش نیز نقش - های آغاز و پایان سخن، ارائه اطلاعات، تغییر موضوع، و نشان دادن توالی اثبات شد. در تحقیق بوجاری (۱۳۹۸) در داستان‌های انگلیسی و آمریکایی نقش‌های نقش‌نماها عبارتند از ارائه اطلاعات، تغییر موضوع، نشان دادن توالی، آغاز و پایان سخن، اصلاح کلام، نوبت گرفتن، دادن، و حفظ آن، نشان دادن عکس‌العمل، و اثبات نظر. موسگاردهنسن (۲۰۰۸) کارکرد و در نقش‌نماهای گفتمانی در گستره پیچیده و خلاق تجارت و معاملات را تجزیه و بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که این پژوهش‌ها در خدمت اکتشاف طیف نقش‌های گوناگون برای نقش‌نماها بوده و در راستای معرفی گستره‌های پژوهشی جدید عمل نموده و از طرف دیگر نگرش پژوهندگان به گستره‌های معنی‌شناسی و منظورشناسی متحول خواهد نمود.

گروه بعدی پژوهش، نوع این عناصر را بررسی کرده‌اند. در مطالعه توکلی و کریم‌نیا (۲۰۱۷) نقش‌نماهای او، اما، زیرا اتفاقاً، و البته دارای بیشترین کاربردند. در بررسی آیسو (۲۰۱۷) نقش‌نماهای او و زیرا بیشترین فراوانی را در گفتگوی دانشجویان داشتند. در پژوهش آزادی و چالاک (۲۰۱۷) سه گروه دانشجویان با سه سطح زبانی متفاوت، از نقش - نماهای خرد و کلان به‌میزان متفاوتی استفاده کردند. در

همانطور که گفته شد؛ مبانی نظری این مطالعه برگرفته از نظریه انسجام در گفتمان‌شناسی است و برای انجام این واکاوی گفتمان‌شناختی از الگوی واکاوی و جوه پنجگانه گفتار در گفتمان شفرین (۱۹۸۷، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶) استفاده گردید. این الگوی واکاوی ابتدا در سال ۱۹۸۷ ارائه شد و سپس در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ دگرگونی‌ها و اصلاحاتی در آن صورت گرفت که تاکنون محققان آن را در مطالعات خویش استفاده کرده‌اند. این مدل دارای پنج وجه تبادل، کنش، اندیشگانی، مشارکت و اطلاعات است. واحدهای گفتار در گستره تبادل (exchange) نوبت نامیده می‌شوند. این ساختار در گفتگو دیده می‌شود. در گستره کنش (Action) ترتیب وقوع و نوع کنش‌ها (speech acts) در گفتمان تجزیه و واکاوی می‌شود. گستره اندیشگانی (Ideational) رابطه بین گزاره‌ها و ایده‌ها در گفتمان را به‌نمایش می‌گذارد. سه رابطه رابطه موضوعی، انسجامی، و نقشی بین گزاره‌های تشکیل دهنده ساختار اندیشگانی وجود دارد. گستره مشارکت (participation) روش‌های مختلف تعامل طرفین گفتگو با یکدیگر را منعکس می‌کند. آخرین بخش مدل شفرین گستره اطلاعات (Information) است که در بر گیرنده سازماندهی و مدیریت دانش و فرادانش (انتظارات و واقعیت‌ها) طرفین گفتگوست.

۳-۳. ارزیاب‌ها

پس از انجام واکاوی کیفی داده‌ها، برای رسیدن به سطح قابل قبولی از روایی و پایایی در پژوهش، محققان از دو ارزیاب از گروه‌های ادبیات فارسی و آلمانی خواستند تا به‌ارزیابی نقش‌های مشخص شده نقش‌نمای واو در پیکره بپردازند. ارزیاب‌ها بین ۱۰ الی ۱۵ سال سابقه آموزش و مطالعه در گستره آموزشی و پژوهشی خویش دارند. ابتدا الگوی پژوهشی مطالعه معرفی شد. بعد نقش‌های کشف شده برای ارزیاب‌ها تبیین شد، سپس آنان نقش مورد نظر را بررسی کردند، و سرانجام به‌نتایج سه‌گانه تأیید، تغییر، و رد رسیدند. موارد محدود رد شده در پیکره استفاده نشد. نمونه‌های توافقی در پیکره گنجانده شدند.

زمینه انجام بگیرد تا نظام، شاخص‌ها و ابعاد مدیریت خلاق، پیشرو و پیشگیرانه گفتمان انسانی را معرفی نماید. در این راستا پژوهشگران پژوهش‌های تک‌زبانه را ناکافی دانسته و به‌این نتیجه رسیده‌اند که نیازمند تحقیقات دو یا چند زبانه‌ایم تا به‌کمک پژوهش‌های بین‌زبانی و بین فرهنگی شناخت جامع‌تری از این فرایند پیچیده گفتمان-شناختی به‌دست آوریم (فورکو، ۲۰۱۴؛ سیمون‌واندن‌برگن و آیمر، ۲۰۰۴). لذا با توجه به‌مباحث و دیدگاه‌های فوق و عدم وجود پژوهش تطبیقی، دوزبانه، و در عالم خلاق شعر در گستره کاربرد و کارکرد نقش‌نماهای گفتمانی بین زبان و ادبیات فارسی و آلمانی، محققان حاضر مبادرت به‌مطالعه‌ای اکتشافی در این گستره کردند.

۳. روش پژوهش

روش این مطالعه از نوع کیفی، اکتشافی، و پیکره-محور بود و مبانی نظری این پژوهش را نظریه گفتمان‌شناختی انسجام تشکیل می‌دهد. نظریه انسجام بر نقش‌های منتهی نقش‌نماها تأکید داشته و به‌واکاوی نقش آن‌ها در ایجاد انسجام در گفتمان می‌پردازد (شفرین، ۱۹۸۷؛ ردکر، ۲۰۰۵؛ فریزر، ۲۰۰۹). در این بخش به‌معرفی روش نمونه‌برداری از پیکره‌ها، مدل پژوهش، و ارزیاب‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. نمونه‌برداری

برای انجام این پژوهش، به‌روش خوشه‌ای از اوائل، اواسط، و اواخر دیوان حافظ (۱۳۷۲) تعداد ۲۵ غزل انتخاب شد. نقش‌نمای واو در مجموع ۲۱۵۳ بار در دیوان حافظ استفاده شده‌است (گرامی و عصار، ۲۰۱۷). نقش‌نمای گفتمانی "واو" ۱۳۷ بار در غزل‌های انتخابی استفاده شده-است. آثار تغزلی گوتته هم از مشهورترین اشعار یا "غزل‌واره‌های" او بوده و از نظر فرم نیز دارای همانندی‌های ویژه‌ای با غزل‌های حافظ‌اند. مطالعات زیادی در باره همراهی روح گوتته و حافظ انجام گرفته است. در این راستا، گوتته در دیوان شرقی-غربی پیروی از شیوه حافظ را آرزو می‌کند (شریف‌زاده، ۱۳۸۲). به‌همین روش، ۲۰ غزل‌واره انتخاب شدند که از سروده‌های کلاسیک زبان آلمانی به‌شمار می‌روند، مطالعه نشان داد که ۲۵ بار از نقش‌نمای واو در این اشعار استفاده شده بود.

آن، یعنی عطف در کنار گستره کاربرد و کارکرد اولیه زمانی، کارکردها و کاربردهای ثانویه نیز برای او استنباط شد که عبارتند از کنش‌های سه‌گانه امر، گزارش و روایت، و بیان هدف (کاربردها و کارکردها در گستره کنش بخش ۱، ۴)، که پاسخ سئوال سوم را ارائه می‌کند. افزون بر این یافته فوق یعنی ترکیب گستره‌های اندیشگانی و کنش پاسخی است برای سئوال چهارم. و سئوال پنجم هم استفاده ترکیبی از این نقش‌نمای گفتمانی با دیگر نقش‌نماها در متن را مد نظر قرار داده بود که نمونه‌هایی از استفاده ترکیبی در هر دو متن دیده شد. اینک به تجزیه و واکاوی تک‌تک این موارد می‌پردازیم.

جدول ۱ توزیع فراوانی کل کلمات و نقش‌نمای او

	حافظ	گوته	کل
تعداد کل کلمات	۴۸۵۴	۲۵۸۱	۷۴۳۵
درصد توزیع فراوانی	۵۶٪	۳۴،۷٪	۱۰۰٪
نقش‌نمای او	۱۳۷	۲۵	۱۶۲
درصد توزیع فراوانی	۲،۸٪	۱٪	۲،۱۷٪

جدول شماره ۱ نمایی از ابعاد پیکره این مطالعه را به‌تصویر می‌کشد. نقش‌نمای او در تمام غزل‌های حافظ استفاده شده است (گرامی و عصار، ۲۰۱۷). هدف سئوال اول کشف بیشترین کاربرد آن در گستره‌های وجوه گفتمانی بود. واکاوی و بررسی کلی و اولیه ۱۶۲ مورد از کاربردهای این نقش‌نما در ابیات ۴۵ غزل انتخاب شده از دو شاعر نشان داد که آن کارکردها و کاربردها در وجوه اولیه و ثانویه گفتمان (Primary and secondary planes of discourse) دارد. کارکردها و کاربردهای اولیه او در گستره اندیشگانی وجوه گفتاری گفتمان بود. موضوع سئوال دوم بحث در باره نوع روابط منعکس شده در متن به کمک او بود. واکاوی دو پیکره شعری نشان داد که روابط سه‌گانه زمانی، علت و معلولی و موضوعی بین گزاره‌ها و اندیشه‌ها نتیجه استفاده از آن در دو اثر منظوم بود. این یافته از دو منظر با نتایج شفرین (۲۰۰۶) همخوانی داشته و منطبق است. نخست این که واکاوی داده‌های این محقق نیز نشان داد که بیشترین کاربرد و کارکرد این نقش‌نما در گستره اندیشگانی بود. افزون بر این، خود نوع روابط نیز با نتیجه‌گیری شفرین منطبق است. او کارکرد او را ایجاد روابط موضوعی، انسجامی، و نقشی تلقی می‌کند. رابطه موضوعی بر اساس مباحث و مطالب طرح شده در گفتار مشخص می‌شود. مبانی رابطه انسجامی بر اساس پیش فرض اطلاعات از جمله قبلی و رابطه معنایی علت و معلولی موجود در متن تعیین می‌گردد. روابط نقشی مبتنی بر نقش اندیشه‌ها در ارتباط با یکدیگر است. یعنی این که بعضی از اندیشه‌ها پیش فرض اندیشه‌های دیگرند. این موضوع وجه دیگر گفتمان یعنی وجه حالت اطلاعاتی را نشان می‌دهد (جدول شماره ۴).

همچنین، در واکاوی خرد و دقیق‌تر این نقش‌نما در بافت گستره اندیشگانی آشکار شد که افزون بر نقش معهود

جدول ۲، کاربرد نقش‌نمای او در وجوه اولیه و ثانویه گفتار در گفتمان

کاربرد در وجوه اولیه گفتمان	
وجه اندیشگانی	نشان دادن روابط معنایی گوناگون بین گزاره‌ها و اندیشه‌ها
کاربرد در وجوه ثانویه گفتمان	
وجه کنشی	معرفی و مدیریت کنش‌های گوناگون
وجه حالت اطلاعاتی	نمایش مدیریت اطلاعات در باره مجموعه کارهایی که انتظار می‌رود انجام بشود، و یا آنچه که عملاً انجام می‌شود.

جدول ۳ کاربرد نقش‌نمای او در وجه اولیه

وجه اولیه	معانی و کاربردها	
وجه اندیشگانی	حافظ	گوته
زمانی	بعد، سپس، حالا، پس از آن	سپس، پس از آن، بعد
علت و معلولی	در نتیجه، توجه، کشف، دریافت،	در نتیجه، به دنبال، به خاطر
موضوعی	اقناع، تداوم، احاطه، مشمول	اقناع، تداوم، احاطه، مشمول

جدول ۴ وجوه ثانویه کاربردی او

وجه ثانویه	
وجه کنشی	
الف	امری، روایی، بیان هدف
ب	نتیجه‌گیری، کشف و دریافت، استنباط، استدلال
ج	تاکید، قطعیت، توازن، گسترش گفتار، تضاد و طباق
وجه اطلاعات	
مدیریت انتظارات	دوری از نادرستی‌ها، حرکت به سوی خوبی‌ها و غیره

حوادث و وقایع اقدام می‌کند. در کنش سوم حافظ به کمک واو به بیان قصد و هدف (به معنی تا این که یا برای این که) می‌پردازد (ابیات ۷ و ۸ در جدول ۱). این بخش یافته‌های این پژوهش با پژوهش صیادکوه و رئیسی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. این محققان با واکاوی دیدگاه‌های فرشیدورد (۱۳۴۴) و دهخدا (۱۳۷۷) منقول در صیادکوه و رئیسی (۱۳۹۶) کشف عدم مطرح شدن این نقش‌ها و کارکردها در این آثار و آوردن نمونه ابیاتی از سعدی به این نتیجه می‌رسند که یکی از کارکردهای واو سپس است. ولی کنش‌های امر، گزارش، و بیان هدف در هیچ‌یک از مطالعات قبلی مطرح نشده و در فرهنگ لغات و کتب هم این مباحث واکاوی نشده و از یافته‌های این پژوهش است.

در جدول شماره ۵ نقش‌نمای واو، رابطه زمانی بین گزاره‌ها را نشان می‌دهد. در این گستره، این نقش‌نمای دارای دو کارکرد و نقش زمانی و کنشی بوده و شامل معانی و کارکردهایی مانند بعد، سپس، حالا (بیت دوم واو دوم)، و پس از آن می‌باشد. در کنار نقش زمانی، کنش‌های سه‌گانه امر، گزارش و روایت، و بیان هدف (کاربردها و کارکردها در گستره کنش) نیز از واکاوی و بررسی ابیات انتخابی استنباط گردید. در این گستره حافظ به کمک این کنش‌ها از طریق نقش‌نمای گفتمانی واو انسجام متنی را به وجود آورده و خلاقیت زبان فارسی را به نمایش گذاشته است. در کنش امری، ساختار گفتار امری بوده و جمله دارای فاعل، فعل، و مفعول می‌باشد. در کنش گزارش و روایت، حافظ به روایت

جدول ۵، رابطه زمانی در اشعار حافظ

ردیف	کارکرد	ابیات نمونه
۱	امری	الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها
۲	روایی	غزل گفתי و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ
۳	روایی	در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
۴	روایی	جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت
۵	روایی	عقل می‌خواست کزان شعله چراغ افروزد
۶	روایی	مدعی خواست که آید به تماشگاه راز
۷	هدف	بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم
۸	هدف	اگر غم لشگر انگیزد که خون عاشقان ریزد
۹	امری	ماجرای کم کن و باز آ که مرا مردم چشم
۱۰	روایی	مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت
۱۱	امری	گو پرو و آستین به خون جگر شوی
۱۲	امری	حافظ ار جان طلبد غمزه مستانه یار
۱۳	روایی	بسوخت حافظ و کس حال او به یار نگفت
۱۴	امری	زدر آ و شبستان ما منور کن
۱۵	امری	کار صواب باده پرستیست حافظا
۱۶	امری	ستاره شب هجران نمی‌فشانند نور
۱۷	امری	بگو بخازن جنت که خاک این مجلس
۱۸	امری	فضول نفس حکایت بسی کند ساقی
۱۹	امری	حجاب دیده ادراک شد شعاع جمال
۲۰	امری	ای نور چشم من سخنی هست گوش کن
۲۱	امری	در راه عشق و سوسه اهرمن بس است

und نیز در فرهنگ لغت آلمانی واریش (Wahrig) نیامده و از یافته‌های این پژوهش است.

کارکرد زمانی واو در اشعار گوته (۱۹۸۱) مانند حافظ به معنای سپس، بعد از آن، و بعد بوده و کنش روایت را نشان می‌دهد (جدول شماره ۶). این کارکردها و معانی برای کلمه

ردیف	کارکرد	نمونه
۱	روایت: ۱. سپس ۲. پس از آن ۳. بعد	Die Welle sprüht, und staut zurück und weicht, Sie schwankt und ruht, zum See zurückgedeicht; موج می پاشد، و (۱) باز برگشته انباشته می شود و (۲) از موانع عبور می کند آن (موج) نوسان می کند و (۳) آرام می گیرد، به دریا می ریزد
۲	روایت: ۱. بعد، ۲. سپس	Doch wandt ich mich hinweg und ließ sie gehen Und wickelte mich enger in die Falten, با این حال از او روبرگرداندم و (۱) گذاشتم برود و (۲) خودم را درهم پیچیده، جمع کردم
۳	روایت: بعد از آن	Am jüngsten Tag, wenn die Posaunen schallen Und alles aus ist mit dem Erleben, در روز رستاخیز، وقتی صور می دم و همه چیز بر روی زمین خاموش می شود
۴	روایت: بعد	Es gilt wohl nur ein redliches Bemühen! Und wenn wir erst in abgemeßnen Stunden فقط یک تلاش صادقانه صدق می کند و وقتی ما تازه در اوقات مناسب

۲-۴. رابطه علت و معلولی

کامل دارد. شفیع کدکنی (۱۳۸۵) در باره او استفاده شده در این ابیات اذعان می دارد: " این واو از واوهای اختراعی حافظ است.... و این هیچکدام از معانی معهود واو در زبان فارسی را ندارد.... این واو به معنی چندین فعل عمل می کند: دیدن، دانستن، فهمیدن، مسلم شدن" (ص ۲۳). فقیه ملک مرزبان (۱۳۷۸) هم معتقد است که در این بافت کاربردی جمله دوم، حاصل جمله اول است و وجود آن‌ها به شدت به هم وابسته بوده و مبین رابطه علت و معلولی اند. افزون بر این، صیاد کوه و رئیس (۱۳۹۶) با واکاوی بیت: سگ اصحاب کهف روزی چند / پی نیکان گرفت و مردم شد از سعدی به این نتیجه می رسند که این واو مفهوم استنتاج دارد.

جدول شماره ۷ کارکردهای نقش‌نمای واو در گستره رابطه علت و معلولی را نشان می دهد. در این گستره، موضوع استنباط مسائل مختلف مورد توجه و استفاده حافظ قرار گرفته است و شامل معانی و کنش‌های نتیجه، توجه، کشف، درک و فهم است. و از واکاوی اشعار حافظ و تایید ارزیابان معانی در نتیجه (ابیات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۵، ۱۸)، به دنبال آن (ابیات ۷، ۱۰، ۱۶، ۱۷)، شناختن، دریافتن و کشف کردن (ابیات ۱۱، ۱۳، ۱۴)، دیدن و متوجه شدن (ابیات ۱۲، ۱۵) برای این نقش‌نما استنباط گردید. البته این استنباط با استنباط شفیع کدکنی (۱۳۸۵) و فقیه ملک مرزبان (۱۳۷۸) همخوانی

جدول ۷ رابطه علت و معلولی در اشعار حافظ

ردیف	کارکرد	ابیات نمونه
۱	در نتیجه	من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند
۲	در نتیجه	بیا که وضع جهان را چنانکه من دیدم گر امتحان بکنی می خوری و غم نخوری
۳	در نتیجه	گر بدی گفت حسودی و رفیقی رنجید گو تو خوش باش که ما گوش به‌احق نکنیم
۴	در نتیجه	دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
۵	در نتیجه	گر ز مسجد به‌خرابات شدم خرده مگیر مجلس وعظ درازست و زمان خواهد شد
۶	در نتیجه	اشک خونین بنمودم به‌طیبیان گفتند درد عشق است و جگرسوز دوایی دارد
۷	در نتیجه- بدنبال آن	فاش می گویم و از گفته خود دلشادم بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم
۸	در نتیجه	بیا که وضع جهان را چنانکه من دیدم گر امتحان بکنی می خوری و غم نخوری
۹	در نتیجه	دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
۱۰	در پی آن	روزه یک سو شد و عید آمد و دل ها برخواست او نمی دیدش و از دور خدا را می کرد
۱۱	کشف کردن	دیدم و آن چشم سیه که تو داری جانب هیچ آشنا نگاه ندارد
۱۲	متوجه شدن	قیاس کردم و آن چشم جاودانه مست هزار ساحر چون سامریش در گله بود
۱۳	درک کردن	دفتر دانش ما جمله بشوید بهمی که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود
۱۴	فهمیدن	قیلس کردم و تدبیر عقل در ره عشق چون شبنمی است که بر بحر می کشد رقمی
۱۵	دیدن	دل و دینم شد و دلبر به‌ملاط برخاست گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست
۱۶	به تبع آن	مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت بتماشای تو آشوب قیامت برخاست
۱۷	در نتیجه	طیب عشق منم باد ده که این معجون فراغت آورد و اندیشه خطا ببرد

جدول ۸ رابطه علت و معلولی در اشعار گوته

ردیف	کارکرد	نمونه
۱	در نتیجه	Sich Oreas, Behagen dort zu finden. Und hemmt den Lauf, begrenzt die weite Schale. آرامش الهه اوره‌آس را در آنجا بیابد و مانع جریان می‌شود...
۲	به همین دلیل	Als wollt ich trutzend in mir selbst erwarmen – Und folgt ihr doch. Sie stand. Da wars geschehen گویا که می‌خواستم سر سخنان خودم را گرم کنم و بالاخره به دنبالش (به راه) افتادم...
۳	در نتیجه	Was man Geschick nennt, läßt sich nicht versöhnen – Ich weiß es wohl, und trat bestürzt zurücke. آنرا که سرنوشت نام است، آشتی نمی‌پذیرد- من خوب می‌دانم، و نگران برگشتم.
۴	به دنبال آن	War unersättlich nach viel tausend Küssen – Und muß mit einem Kuß am Ende scheiden. هزاران بوسه سیری ناپذیر بود- و با یک بوسه مجبور بودم در پایان جدا شوم
۵	در پی آن	An fernentwichenen lichten Finsternissen. Und endlich, als das Meer den Blick umgrenzte, Fiel mir zurück ins herzmein heiß verlangen در کنار ظلمت‌های بیداری دور دست و سرانجام، وقتی که دریا دید را محدود می‌کرد اشتیاق گرمی تمام قلبم را پر می‌کرد...
۶	به این خاطر	Petrarcas Liebe, die unendlich hohe, War leider unbelohnt und gar zu traurig, عشق پترارکا، آن بلندای جاودانه، متأسفانه بی‌اجر ماند و حتی غم‌انگیز
۷	در نتیجه	Wer Großes will, muß sich zusammenraffen; In der Beschränkung zeigt sich erst der Meister, Und das Gesetz nur kann uns Freiheit geben. هر کس با عظمت‌ها را می‌خواهد، باید به‌خود سختی دهد؛ تازه در محدودیت‌هاست که مهارت‌های استادان جلوه‌گر می‌شوند، و تنها این قانون است که می‌تواند به‌ما آزادی را ارزانی دارد.

در گستره علم معانی و بیان، فقیه ملک مرزبان (۱۳۷۸) راهبردها و کارکردهای تاویلی و منظورشناختی اقناع، تداوم، احاطه و مشمول برای ایجاد انسجام متنی به‌کمک او را تشریح و تبیین کرده و سرانجام در واکاوی غزل‌های سعدی به‌کار می‌برد. این راهبردها زمینه‌کنش‌های تاکید، قطعیت، ترتیب و تناسب را فراهم ساخته و منجر به آفرینش خلاقانه متن می‌شود. تجزیه و واکاوی رویکرد فقیه ملک مرزبان در مقاله خود با عنوان شور او عطف و بررسی نمونه اشعار وی از غزل‌های سعدی نشان می‌دهد که در بررسی غزل‌های حافظ در گستره موضوعی، گستره اندیشگانی گفتمان نیز این راهبردها را می‌توان استفاده نمود. جدول‌های ۵ الی ۱۰

۳-۴. رابطه موضوعی

در این بخش گستره اندیشگانی، حافظ به‌کمک او گزاره‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی، انتقادی، دینی، عرفانی، عاشقانه را با هم ترکیب ساخته و به‌معرفی جهان‌بینی خویش از طریق کنش‌های پند و اندرز، عدم بدگویی، عیب‌جویی، و میل به ناهق، بی‌توجهی به‌مادیات، دوری از سستی و تنبلی مثل خور و خواب، دوری از تقلید، دادن امید و مخالفت با مدعی و مسائل مذهبی و تاریخی، عارفانه و عاشقانه پرداخته و به‌اطلاع‌رسانی در باره روابط اجتماعی در جهان پیرامون خویش اقدام می‌کند.
با تحلیل دیدگاه‌های رجایی (۱۳۷۲) و هاشمی (۱۳۷۰)

ساخت‌های همپایه در قالب جمله اعمال می‌شود. در این بافت در برخی از ابیات، واو به معنای "یا" به کار برده شده است. در اشعار گوتته هم معنای آن در این بافت "یا" می‌باشد. در این راستا صیادکوه و رئیسی، (۱۳۹۶) این بیت را برای اثبات این موضوع شاهد مثال می‌آورند:

گر بی هنرم وگر هنرمند لطف است امیدم از خداوند

کاربردها و کارکردهای واو در چهار حوزه فوق در گستره موضوعی را نشان می‌دهد.

۴-۴. اقناع

استفاده از این راهبرد به کمک تکرار، ترکیب مترادف‌ها و مطالب، و ایجاد تناسب‌های معنایی از طریق واو صورت گرفته و زمینه تأکید و قطعیت در ذهن مخاطب را فراهم کرده و سر انجام باعث اقناع وی می‌شود. راهبرد اقناع به کمک

جدول ۹ رابطه موضوعی: اقناع در اشعار حافظ

ردیف	کارکرد	ابیات نمونه
۱	اقناع	ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم
۲	اقناع	خوش برانیم جهان در نظر راهروان
۵	اقناع	جهان پیرست و بی بنیاد ازین فرهادکش فریاد
۶	اقناع	سر تسلیم من و خشت در میکده‌ها
۷	اقناع	مدعی گو لغز و نکته به‌حافظ مفروش
۱۳	اقناع	از دماغ من سرگشته خیال دهند
۲۱	اقناع	هر چه جز بار غمت بر دل مسکین من است
۲۲	اقناع	در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند

جدول ۱۰، موضوعی: اقناع در اشعار گوتته

ردیف	کاربرد	نمونه
اقناع	یا	Was ich bedarf, ist überall zu haben, Und Unentbehrlichs bring ich mit – die Liebe. هر آنچه را نیاز دارم، همه جا موجود است. و آن پرهیزناشدنی را با خود به‌همراه می‌آورم – عشق را
اقناع	یا	Ich höre wohl der Genien Gelächter; Doch trennet mich von jeglichem Besinnen Sonettenwut und Raserei der Liebe. با این وجود مرا از هر اندیشه ای جدا می‌کند خروش غزلها و جنون عشق
اقناع	یا	Ausfülltest du's vielleicht zum Zeitvertreibe Und sendetest's an mich, die Hochbeglückte. شاید تو به‌خاطر وقت‌گذرانی آنرا پر کنی و برایم آن خوش سعادت را بفرستی

اشعار حافظ و هم در اشعار گوتته به معنای فوق استفاده شده- است (جدول‌های شماره ۱۱ و ۱۲). در اشعار گوتته در ابتدای مصرع دوم آمده است. نمونه بیت سعدی منقول در فقیه ملک مرزبان (۱۳۷۸ ص ۱۶۵):

فتنه باشد شاهدی شمعی به‌دست
سرگران از خواب و سر مست از شراب

۴-۵. تداوم

این راهبرد شامل ترکیب مفاهیم توأم و تقریب آن‌ها به ذهن مخاطب به وسیله واو از طریق اعجاب، شورانگیزی، دلاویزی، دلبندی و استمرار کلام است. برای اعمال این راهبرد شاعر از فن موازنه استفاده می‌کند. در موازنه دو یا چند جمله به وسیله تقابل اسجاع متوازن از طریق واو هماهنگ شده و معنای آن در این بافت افزون بر این یا همچنین می‌باشد (خطیب رهبر، ۱۳۷۹). کاربرد واو در این بافت هم در

ردیف	کارکرد	ابیات نمونه
۲	تداوم	عالم از ناله عشاق مبادا خالی که خوش آهنگ و فرحبخش هوایی دارد
۳	تداوم	تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار که در برابر چشمی و غایب از نظری
۵	تداوم	هر که خواهد که چو حافظ نشود سرگردان دل به‌خویان ندهد وز پی ایشان نرود
۷	تداوم	ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد
۸	تداوم	با خرابات‌نشینان ز کرامات ملاف هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد
۹	تداوم	این همه شعبده خویش که می‌کرد اینجا سامری پیش عصا و يد بیضا می‌کرد
۱۰	تداوم	من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد درین دیر خراب آبادم
۱۲	تداوم	سایه طویی و دلجویی حور و لب حوض به‌هوای سرکوی تو برفت از یادم
۱۳	تداوم	چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند
۱۵	تداوم	سخن دانی و خوش خوانی نمی‌ورزند در شیراز بیا حافظ که تا خود را به ملکی دیگر اندازیم

جدول ۱۲ موضوعی: تداوم اشعار گوته

ردیف	کارکرد	نمونه
۱	تداوم	Natur und Kunst, sie scheinen sich zu fliehen Und haben sich, eh man es denkt, gefunden; طبیعت و هنر، ظاهراً فراری از هم اند و تا سرگردانی، یا لحظه‌ای بیان‌دیشی، باز همدیگر را درمی‌یابند Der Widerwille ist auch mir verschwunden, Und beide scheinen gleich mich anzuziehen. و هر دو باز به‌نظر می‌رسد مرا به‌خود جذب می‌کنند
۲	تداوم	Nun wußt ich auch von keinem weitem Glücke; Gleich fing ich an, von diesen und von jenen از هیچ مهارت دیگری خبری نداشتم شروع کردم، از این و از آن ... ترک عادت کنم
۳	تداوم	Ausfülltest du's vielleicht zum Zeitvertreibe Und sendetest's an mich, die Hochbeglückte. شاید تو به‌خاطر وقت‌گذرانی آنرا پر کنی و برایم آن خوش سعادت را بفرستی
۴	تداوم	Vor manchen Influenzen mich gehütet. Und ob gleich Amor öfters mich begütet, مرا در مقابل نوسانات محافظت می‌کند و اگر چه عشق اغلب مرا برخوردار می‌سازد
۵	تداوم	Das kann nur bis zu dir hinüberwehen. Und fühlst du dann ein freundliches Erinnern, این می‌تواند به‌سوی تو بوزد و تو احساس می‌کنی خاطره‌ای شاد را

گذاشته شده‌است. نمونه بیت سعدی منقول در فقیه ملک

مرزبان (۱۳۷۸ ص ۱۶۶):

صبر و دل و دین می‌رود و طاقت و آرام
از زخم پدید است که بازوش تواناست

در اشعار گوته یک نمونه پیدا شد (جدول شماره ۱۳).

در این بیت بخشی از فرایند توالی با استفاده از کاما انجام
شده و بخش دیگر به‌کمک واو.

۴-۶. احاطه

با استفاده از این راهبرد واژه‌ها و جملات از طریق واو
با هم ترکیب شده و متن احوال متعدد، ممزوج و درهم را در
ذهن مخاطب جای می‌دهد. در این قسمت شاعر با عطف‌های
پی در پی بر زیبایی سخن افزوده و بدین ترتیب بر تاثیر متن
بر مخاطب می‌افزاید. هدف نهایی شاعر گسترش موضوع و
درازآهنگی است (خطیب‌رهبر، ۱۳۷۹؛ صیادکوه و رئیس،
۱۳۹۶). در این بافت مفهوم و موضوع توالی مطرح به‌نمایش

ردیف	کارکرد	ابیات نمونه
۱	احاطه	ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را
۲	احاطه	هاتف آن روز بهمن مژده این دولت داد که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند
۳	احاطه	بچشم و ابروی جانان سپرده ام دل و جان بیا بیا و تماشای طاق و منظر کن
۴	احاطه	سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد
۵	احاطه	کلاه سروریت کج مباد بر سر حسن که زیب بخت و سزاوار ملک و تاج سری
۶	احاطه	به بوی زلف و رخت می روند و می آیند صبا به غالیه سائی و گل به جلوه گری
۷	احاطه	Des Weines Glut, den Vielgenuß der Speisen, Bequemlichkeit und Schlaf und sonstige Gaben, درخشش شراب راه لذت طعام راه، ..راحتی و خواب و دیگر نعمات ... را طرد کردم

۴-۷. مشمول

در این راهبرد ابلاغ مقصود و ایجاد باور در مخاطب از طریق کلمات، عبارات، و مطالب متضاد به کمک واو صورت گرفته و نتیجه آن زیبایی در تناسب و ایجاد التذاذ است. روش اعمال این راهبرد از طریق تضاد و طباق است. در این راستا، فقیه ملک مرزبان (۱۳۷۸ ص ۱۶۶) هم با واکاوای نمونه بیت ذیل از سعدی به چنین نتیجه ای می رسد:

از بهر خدا روی مپوش از زن و از مرد

تا صنع خدا می نگرند از چپ و از راست

و صیادکوه و رئیسی نیز (۱۳۹۶ ص ۱۷) بیت ذیل را از سعدی شاهد مثال می آورند:

نیک باشی و بدت گویند خلق
به که بد باشی و نیکت بینند

از مثال اول معنای "یا" و مثال دوم معنای "اما" استنباط می گردد. ولی در ابیات حافظ کلا معنای آن "یا" است. در اشعار گوته یک نمونه پیدا شد که معنای آن هم "یا" بود.

جدول ۱۴، رابطه موضوعی: مشمول

ردیف	کارکرد	ابیات نمونه
۱	مشمول	بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی
۲	مشمول	عیب درویش و توانگر به کم و بیش بدست کار بد مصلحت آنست که مطلق نکنیم
۳	مشمول	چون حسن عاقبت نه بهرندی و زاهدیست آن به که کار خود به عنایت رها کنند
۵	مشمول	من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
۶	مشمول	فراز و نشیب بیابان عشق دام بلاست کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد
۷	مشمول	جهان فانی و باقی فدای شاهد و ساقی که سلطانی عالم را طفیل عشق می بینم
۸	مشمول	همه کس طالب پارسست چه هشیار و چه مست همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت
۱۰	مشمول	هزار جان مقدس بسوخت زین غیرت که هر صباح و مسا شمع مجلس دگری
		Doch stets erscheine, fort und fort, die frohe Es tut gar wohl in jung und alten Tagen, با این وجود ظهور می کند، مستمر و مداوم، شیرینی شاداش لذت بخش است در ایام جوانی و پیری

۴-۸. ترکیب نقش نماها

در گستره ترکیب نقش نمای واو با دیگر نقش نماها، حافظ فقط به ترکیب واو با نقش نمای "اگر" در جاهای مختلف اشعار خویش در نمونه های انتخابی می پردازد. ولی در اشعار گوته این راهبرد دارای تنوع بوده و افزون بر استفاده ترکیبی از واو و اگر،

او از ترکیباتی چون و تنها، و سرانجام، و و بالاخره بهره برداری می کند. این موضوع نیازمند فرصت بیشتری است و پژوهشی در گستره فارسی صورت نگرفته است و در دیگر زبانها نیز کمتر به آن پرداخته شده است. چون ترکیب نقش نماها علل متعددی دارد که بحث آن نیازمند پژوهش های دیگری است.

جدول ۱۵، ترکیب نقش نماها

ردیف	کارکرد	ابیات نمونه
۱	ترکیب	وگر طلب کند انعامی از شما حافظ حوالتش به لب یار دلنواز دهید

۲	ترکیب	من اگر نیکم و گرد تو رو خود را باش	هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
۳	ترکیب	اگر روم ز پی اش فتنه‌ها برانگیزد	و از طلب بنشینم به‌کینه بر خرید
۴	ترکیب	Vor manchen Influenzen mich gehütet. Und ob gleich Amor öfters mich begütet, مرا در مقابل نوسانات محافظت می‌کند و اگر چه عشق اغلب مرا برخوردار می‌سازد	
۵	ترکیب	Wer Großes will, muß sich zusammenraffen; In der Beschränkung zeigt sich erst der Meister, Und das Gesetz nur kann uns Freiheit geben. هر کس با عظمت‌ها را می‌خواهد، باید به‌خود سختی دهد؛ تازه در محدودیت‌هاست که مهارت‌های استادان جلوه‌گر می‌شوند، و تنها این قانون است که می‌تواند به‌ما آزادی را ارزانی دارد	
۶	ترکیب	An fernentwichnen lichten Finsternissen. Und endlich, als das Meer den Blick umgrenzte, Fiel mir zuruck ins herzmein heiß verlangen در کنار ظلمت‌های بیداری دور دست و سرانجام، وقتی که دریا دید را محدود می‌کرد اشتیاق گرمی تمام قلبم را پرمی‌کرد	
۷	ترکیب	Als wollt ich trutzend in mir selbst erwarmen – Und folgt ihr doch. Sie stand. Da wars geschehen گویا که می‌خواستم سر سخنان خودم را گرم کنم و بالاخره به‌دنبالش (به راه) افتادم	

۵. نتیجه‌گیری و کاربردهای آموزشی و

پژوهشی

هدف این پژوهش، اکتشافی تجزیه و واکاوی در گستره پیچیده‌ترین، خلاق‌ترین، گسترده‌ترین، پرکاربردترین، و کارسازترین نقش‌نمای او در اشعار حافظ و گوته با استفاده از الگوی واکاوی و جوه پنجگانه گفتمان در گفتمان بود. بررسی اشعار نشان داد که کلیه کاربردهای او در گستره اندیشگانی و جوه گفتاری گفتمان است. کارکرد آن در حوزه آفرینش روابط، انعکاس روابط چندگانه زمانی، علت و معلولی و موضوعی بین گزاره‌ها، اندیشه‌ها، و کنش‌ها بود. از منظر اولین محقق در حوزه نقش‌نمای گفتمانی یعنی شفرین (۱۹۸۷، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶)، این ابزار مدیریت گفتمان شاخص و مبانی زیربنایی شناختی، ارتباطی، متنی، و نظام موثر و کارآمد اجتماعی گفتمان بشری را تشکیل می‌دهد. بنابراین، لازم است استنباطات، نتایج، و کاربردهای آموزشی و پژوهشی ذیل مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

نخستین استنباط آموزشی این پژوهش این است که در چارچوب نظام آموزشی فعلی در گستره‌های بین فرهنگی و زبانی آموزش زبان، ادبیات، ترجمه، و حتی آموزش زبان فارسی، از دانشجویان و زبان آموزان انتظار می‌رود که خودشان اصول، ویژگی‌ها، و نقش نقش‌نمای گفتمانی را

کشف نموده و ارزش، کارایی، و اهمیت گفتمانی و منظورشناختی آن‌ها را درک نمایند که عملاً برای اکثر آنان غیر ممکن است. به‌خاطر این که نقش‌نمای گفتمانی در نقش عناصر گفتمان‌مدار (discursive)، از یک طرف مقاصد خاص گوینده/نویسنده در باره محتوای گفتمان را نشان داده و از طرف دیگر به‌انعکاس انتظارات مخاطب در موضوع گفتمان می‌پردازند (شفرین، ۲۰۰۶، فریزر، ۲۰۰۶). لذا بررسی و کشف کارکرد آن‌ها در بافت‌های خلاق، زمینه شناخت و کاربرد خلاقانه زبان را فراهم خواهد نمود.

این پژوهش با رویکردی دو زبان‌گونه و کشف نقش-های متفاوت، مختلف، و منحصر به‌فرد برای او در اشعار حافظ و گوته باعث فهم گسترده‌تر و جامع‌تر این پدیده پیچیده گفتمان‌مدار، ایجاد زمینه تفکر خلاقانه، انتقادی، و هوشمندانه، تصمیم‌گیری حرفه‌ای، کارآمد، و منطقی در عرصه‌های مختلف مانند تدریس، تالیف کتب درسی، فرهنگ‌نگاری، و تدوین فرهنگ اصطلاحات در گستره علوم مختلف زبانی می‌گردد. دانش و شناخت کارکرد نظام نقش-نمایها و مخصوصاً او در گستره‌های کاربردی این دو زبان (فارسی و آلمانی) در نقش متغیری هشداردهنده (Awareness raiser) عمل نموده و باعث توجه، دقت، و عبرت گرفتن از نگاه هنرمندانه به‌زبان و کارکرد هنرمندانه آن گردیده، نگرش ما نسبت به‌عرصه‌های کاربردی زبان را

آورد؟ همان‌طور که در پیشینه ذکر شد، مشکل پژوهش‌ها این بود که انبوهی از پژوهش‌های جدا از هم، غیر قابل مقایسه، و بدون برنامه‌ریزی بود (فیشر، ۲۰۰۶ و شفرین، ۲۰۰۶). در حوزه پژوهش بایسته است پژوهش‌های بین‌زبانی، بین‌رشته‌ای، و بین‌المللی و گروهی انجام گیرد تا نظام و الگوی کاربردی و کارکردی این پرکاربردترین، کارآمدترین، و پیچیده‌ترین عنصر گفتمانی زبان را کشف و معرفی نمود. چون مطالعات در زبان‌ها و فرهنگ‌های عربی، فارسی، چینی، و انگلیسی (عمران‌پور، ۱۳۸۴؛ نژادانصاری و محمدی، ۲۰۱۴، یانگ، ۲۰۱۲) نشان داده است که این نقش‌نما در تمام این زبان‌ها پرکاربردترین عنصر گفتمانی برای مدیریت گفتمان است. لذا مطالعه و مقایسه بین‌زبانی و بین فرهنگی می‌تواند نقش‌های چندگانه آن در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف را معرفی کرده و سرانجام تحولی در گستره‌های پژوهشی گفتمان‌شناختی بوجود آورد. بنابراین، لازم است مطالعات به‌شکلی هدایت شوند تا گروه‌هایی از محققان در گستره‌های مختلف گفتمانی در هر بخش پژوهش‌هایی انجام دهند تا استادان، پژوهندگان، مترجمان، کارشناسان در رشته‌های گوناگون علمی، نسبت به نقش‌های این ابزار گفتمان‌شناختی و آفرینش گفتمان، آگاهی پیدا کرده و نقش آن‌ها در مهندسی و تشحیص شرایط لازم برای تمرکز در گفتمان را واکاوی نمایند و در مباحث و بررسی‌ها به آن‌ها استناد کنند. در جهان در بسیاری از عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، و علوم مختلف چنین مطالعاتی انجام شده است. ولی در فارسی جای این پژوهش‌ها همچنان خالی است. علاوه بر این، می‌توان از الگوهای پژوهشی دیگر، در انواع و سبک‌های شعری دیگر، با رویکردهای نظری دیگر در انجام مطالعات استفاده نمود و غنای غنای علمی، آموزشی، و کاربردی پژوهش‌ها را افزایش داد. حوزه پژوهشی دیگر حوزه ترجمه است که تحقیقات کمتری در آن انجام شده است.

و سرانجام، استنباط علمی این مطالعه گفتمان‌شناختی در گستره تهیه و تدوین مطالب درسی و منابع یادگیری مانند فرهنگ‌نگاری و غیره، پیشنهاد تغییر جهت‌گیری در این عرصه‌هاست. در تدوین مطالب درسی در گستره‌های دستور، نگارش، مقاله‌نویسی، و گزارش تحقیق پیشنهاد می‌گردد که مبانی و منابع متحول شود. در تهیه این مطالب آموزشی بهتر

متحول نموده و به‌کاربرد خلاقانه و منظورشناسانه زبان در بافت هنرمندانه ادبی شعر حساس می‌کند.

و اما در کلاس درس در زمینه‌های برگفته چه اقداماتی بایسته است که صورت بگیرد؟ در فعالیت‌های کلاسی در آموزش عالی در گستره زبان یا مثلاً تدریس زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان چه برنامه‌هایی را می‌توان به‌اجرا گذاشت؟ این حساسیت به این عناصر ظاهراً ساده و در عمل بسیار پیچیده باعث دقت و توجه بیشتر در تدریس دروسی مانند دستور زبان، نگارش، مقاله‌نویسی، و روش تحقیق گردیده و مسئولان نظام آموزشی در گستره‌های آموزش زبان‌ها (انگلیسی، عربی، فارسی، و غیره)، ترجمه، ادبیات و سایر حوزه‌های علوم انسانی را ملزم می‌کند تا برای معرفی نقش‌ها و کارکردهای منظورشناختی عناصر زبانی کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی بین‌رشته‌ای مخصوصی ارائه نمایند. اقدامات کلاسی استاد می‌تواند در راستای حساس کردن دانشجو نسبت به این کاربردهای خلاقانه و بدیع شعری زبان صورت گیرد، پروژه‌ها و مباحث کلاسی فردی و گروهی دانشجویان را می‌توان در این راستا هدایت نمود، و نسبت به کارکردهای منظورشناختی این عناصر در پیکره‌های شعری، سیاسی، تجاری، و غیره حساس نمود و نگرشی پژوهش محور را در ذهن، رویکرد، کارهای درسی و کلاسی آن‌ها نهادینه کرد.

برای مثال؛ دانشجویان می‌توانند به‌بررسی، مطالعه، و توجه (highlight) به کاربردها و کارکردهای منظورشناختی این نقش‌نماها در بافت اشعار و علوم مختلف اقدام کرده و آن‌ها را در کلاس مطرح نموده و به‌همراه استاد به تجزیه و واکاوی اقدام کنند. بدین وسیله کلاس‌های آموزشی در رشته‌های مرتبط با آموزش زبان، ادبیات، و ترجمه در زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، و غیره از حالت خسته‌کنندگی خارج می‌گردد. یعنی این که به‌کمک این روش دروس مختلف در این حوزه‌ها می‌توان به کلاسی خلاق، فعال، و پویا دست یافت و مشارکت فعال همه دانشجویان در مباحثه، مطالعه، جستجو، و پژوهش خارج از کلاس تسهیل کرده و آنان را به‌افزای دانش پژوهی و محقق تبدیل نمود. مثلاً در تجزیه و واکاوی ترجمه یکی از مترجمان ایرانی (فریبا ریاضی در ترجمه رمان کیمیا) در کلاس یکی از محققان این پژوهش، مشخص شد کلمه and در فارسی "تا" (به معنی مدت زمان) ترجمه شده بود و بر اساس بافت درست هم بود.

نشد. علت آن ممکن است عوامل مختلفی باشد. نخست این که این مطالعه جزء قدم‌های اولیه در این نوع از پژوهش‌های گفتمان‌شناختی است و فقط به بررسی ۴۵ غزل این دو شاعر پرداخت. بنابر این، لازم است غزل‌های بیشتری بررسی و واکاوی شوند. همچنین، پیشنهاد می‌گردد گروه‌هایی از محققان در گستره‌های بین زبانی، بین رشته‌ای در حوزه‌های زبان‌شناسی، مخصوصاً ادبیات، ترجمه‌شناسی، علوم اجتماعی، تجاری، سیاسی و غیره به پژوهش پرداخته و رشته‌ای بین رشته‌ای با عنوان مطالعات مدیریت گفتمان را تاسیس نمایند که جای آن در حوزه علوم انسانی در ایران بسیار خالی است.

است نگرشی منظورشناختی اتخاذ نماییم. یعنی این که از پیکره‌های خلاق زبانی در عرصه‌های ادبی، هنری، سیاسی، تجاری، و غیره استفاده کنیم تا متون درسی نشان دهنده موارد عملی از کاربردها و کارکردهای این عناصر خلاق و گفتمان-مدار گردیده و دارای جذابیت لازم برای ایجاد تعامل معنادار بین متن و مخاطب گردد. به دلیل این که واکاوی اشعار این دو شاعر منجر به کشف کاربردها، کارکردها، و معانی متعددی برای این عنصر و نشانه منظورشناختی شد که در کتاب‌های دستور و فرهنگ واژگان واکاوی نشده است.

موضوع بعدی محدودیت‌های این پژوهش است. در یافته‌های مطالعه مواردی برای وجوه مشارکت و تبادل کشف

منابع

- Adeyemi, B. (2018). Discourse markers in writing and answering essay type questions. *International Journal of Learning, Teaching and Research*, 17(7), 106-119.
- Alsharifi, M. (2017). The frequently used discourse markers by Saudi EFL learners. *Arab World English Journal*, 4(2) 384-397.
- Aijmir, K. (2002). *English Discourse Particles: Evidence from a Corpus*, Amsterdam: Johan Benjamins
- Aysu, S. (2017). The use of discourse markers in the writing of Turkish students. *Journal of Higher Education and Sciences*, 7(1), 132-138.
- Azadi, G. and E. Chalak. (2017). The frequency of Macro/Micro discourse markers in Iranian EFL learners' composition. *International Journal of English and Education*, 6(1), 20-40.
- Boojari, S. (1398). *A Comparative Study of the Frequency and Polyfunctionality of Discourse Markers used in A Simple Favor by the American Author Darcey Bell and Betrayal by the British Author Martina Cole: with Pedagogical Implications*, Unpublished MA Thesis, Arak University, Arak, Iran.
- Fisher, K. (2006). *Approaches to Discourse Particles*, Amstersam: Elsevier.
- Fraser, B. (1999). What are discourse markers? *Journal of Pragmatics*, 31 (7), 931-952.
- Fraser, B. (2006). Towards a theory of discourse markers. In K. Fischer, *Approaches to Discourse Particles* (pp. 240-256). Oxford: Elsevier.
- Fraser, B. (2009). An account of discourse markers. *International Review of Pragmatics*, 14(2), 1-28.
- Furko, P. (2014). *Perspectives on the Translation of Discourse Markers*. *Acta Universitatis Sapientiae, Philologica*, 6(2), 181-196.
- Gandomkar, L. (2018). *A Comparative Study of the Frequencies and Functions of Discourse Markers in Research Genre*, Unpublished MA Thesis, Arak University, Arak, Iran.
- Goethe, J. W (1981). *Goethes Gedichte: Hrsg. und kommentiert von Erich Trunz*, München 1981, S. 294- 303 und 245.
- Grami, B. and H. Assar. (2017). *Connective Va*, Iran Namag, 1(4), 210-215.
- Hajimia, H. (2018). A corpus based analysis of discourse markers in Malaysian online news paper articles. *Journal of Research in Humanities and Social Sciences*, 5(1), 19-24.
- Horn, A. & Hansson, P. (1999). Discourse markers and the segmentation of discourse. *Lund University Working Papers*, 47(5), 123-139.
- Manan, A. & Raslee, A. (2018). Explicit discourse marker instruction to improve coherence and cohesion. *International Journal of Academic Research*, 10(6), 60-81.
- Mosgaard-Hansen, M. (2008). *Particles at the Semantics/Pragmatics Interface: Synchronic and Diachroni Issues*, Amsterdam: Elsevier.
- Nejadansari, D. & Mohammadi, A. M. (2014). The frequencies and functions of discourse markers

in the Iranian University EFL classroom discourse. *International Journal of Research Studies in Language Learning*, 4(2), 1-18.

Redeker, G. (2006). Discourse markers as attentional cues at discourse transitions. In K. Fischer, *Approaches to Discourse Particles* (pp. 339-357). Amstersam: Elsevier.

Schiffrin, D. (1987). *Discourse markers*. Cambridge: Cambridge University Press.

Schiffrin, D. (2001). 'Discourse Markers: Language, Meaning and Context. In D. D. Schiffrin (Ed.), *The Handbook of Discourse Analysis* (pp. 54-75). Oxford: Blackwell.

Schiffrin, D. Tanen, N., Hamilton, T. (Ed.), (2001). *The Handbook of Discourse Analysis*, Oxford : Blackwell.

Schiffrin, D. (2006). Discourse marker research and theory: revisiting and. In K. Fischer, *Approaches to Discourse Particles* (pp. 315-339). Amstersam: Elsevier.

Scholman, M. & Demberg, V. (2017). Examples and specifications that prove a point, *Dialogue and Discourse*, 8(2), 56-83.

Simon-Vandenberg, A. & K. Aijmir. (2004). A model and amethodology for the study of pragmatic markers: the semantic field of expectation. *Journal of Pragmatics*, 36, 1781-1805.

Tavakoli, M. and H. Karimnia. (2017). Dominant and gender specifi tendencies in the use of dixcourse markers. *World Journal of English Language*, 7(2), 20-37.

Trillo, R. J. (2002). The pragmatic fossilization of discourse markers in non-native speakers of English. *Journal of Pragmatics*, 4(34), 769-784

Yang, S. (2012). Discourse markers: An area of confusion. *PhilologicaUrcitana.Revista Semestral de Iniciación a la Investigación en Filología*, 7, 37-44.

Yule, J. (2011). *The study of language*, London: OUP.

Ziaghadam, F. and S. Simin. (2018). Speech-like pragmatic markers in essays by Iranian students and native English speakers. *International Journal of Foriegn Language and Research*, 6(21), 133-146.

حسینی، سید حسن. (۱۳۷۹). مشت در نمای درشت. تهران: سروش

خطیب‌رهبر، خلیل. (۱۳۷۹). حروف اضافه و ربط، تهران: مهتاب

شریف‌زاده، منصوره. (۱۳۸۲). جلوه‌های عرفان در گوته و افط از دید تطبیقی، فصلنامه پیمان، ۲۶، صص: ۲۰-۲۶

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). موسیقی شعر، تهران: آگاه

صیاد کوه، اکبر و رئیسی، آسیه. (۱۳۹۶) کارکردهای گسترده او و در گلستان سعدی. فصلنامه هنر زبان. 2(1), 5-32,

عمران‌پور، محمدرضا. (1384). ساخت های همپایه و نقش زیبایی شناختی آن در کلیله و دمنه. پژوهش زبان و ادبیات فارسی و 5(1), 121-146.

فقیه ملک مرزبان، نسرين. (1387). شور عطف. فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء. 145-168,

محمدی، علی محمد. (۱۳۹۴). درآمدی بر مدیریت گفتمان، پژوهش- های زبان‌شناختی در آموزش زبان، (۱) ۴، ۳۴-۵۲.

حافظ، محمد. (۱۳۷۲) دیوان حافظ، تهران: اقبال